

بسم الله الرحمن الرحيم

النكاح

النكاح مستحب مؤكد لمن يمكنه فعله لا يخاف بتركه الوقوع في محرم والا وجب ازدواج برای کسی که امکان آن را دارد و از واقع شدن در حرام بواسطه ترك آن نمی هراسد مستحب مؤكد است در غیر این صورت واجب است.

صيغة العقد

ايجاب عقد نكاح فقط با الفاظ زیر واقع می شود:

زوجتك، انكحتك و متعتك

احكام ايجاب و قبول در عقد نكاح

لايشترط القبول بلفظه

شرط نیست قبول به همان لفظ ايجاب باشد بنابراین اگر موجب « زوجتك و قابل، قبلت النكاح » بگوید صحیح است.

لايشترط تقديم الايجاب على القبول

مقدم بودن ايجاب بر قبول شرط نیست.

الايجاب والقبول بلفظ الماضي

ايجاب و قبول باید به لفظ ماضی { گذشته } واقع شوند.

«ان الايجاب من المرأة و هي تستحيى غالبا من الابتداء به»

ايجاب عقد نكاح از جانب زن است اما او حیا می كند غالبا كه در ابتدا چیزی بگوید.

شروط عاقد

و يعتبر في العاقد:

الكمال، فالسكران باطل عقده و لو اجاز بعده

عاقد باید كمال (اهلیت) داشته باشد بنابراین عقد فرد مست ، اگرچه بعد از مستی آن را اجازه كند باطل است.(فقدان قصد)

«بجوز» تولى المرأة العقد عنها و عن غيرها ايجابا و قبولا «

و زن می تواند ايجاب و قبول عقد را از طرف خود یا دیگری به عهده بگیرد.

لايشترط الشاهدان فى النكاح فى النكاح الدائم مطلقا ، و لالولى فى نكاح الرشيدة و ان كانا افضل على الاشهر

حضور دو شاهد در نكاح دائم و همچنين حضور ولى در نكاح **دختر رشیده** شرط **نمی** باشد اگرچه بهتر است.

در عقد باید زن و مرد معلوم و مشخص باشند.

«**يشترط** تعيين الزوجه و الزوج ، لو كان له بنات و زوجة واحدة و لم يسمها فان ابهم و لم يعين شيئا فى نفسه **بطل العقد**»

تعيين زن و شوهر با اشاره یا با اسم یا وصف لازم است. بنابراین اگر شخصی چند دختر داشته باشد و به عقد مردی درآورد بدون اینکه نام ببرد یکی از آنان را و مبهم گذارد و نزد خودش نیز چیزی معین نکند عقد نكاح باطل است.

اولياء العقد

«لاولاية فى النكاح لغير الاب و الجد له المولى و الحاكم و الوصى «

ولایت در نكاح فقط از آن پدر و جد پدری است و اگر این ها نباشند از آن مولى و حاکم و وصی است.

«فولاية القرابة على الصغيرة او المجنونة او البالغة سفیهة و كذا الذکر للاب و الجد له على البكر البالغة الرشيدة»

ولایت ناشی از قرابت بر دختر و پسر صغیر و دیوانه و کسی که با حالت سفاهت وارد بلوغ شده ثابت است و چنین ولایتی بر دوشیزه بالغ رشیده وجود ندارد.

❀ تست : مفهوم عبارت « و لو عضلها فلا بحث فى سقوط ولايته » کدام گزینه است ؟

1 (اگر دختر از پدرش سرپیچی کند ، پدر تکلیفی به عنوان ولى ندارد

2 (اگر ولى دختر را از ازدواج با مرد هم کفو منع کند ولایتش ساقط می شود

3 (اگر حاکم پدر را منع کند ولایتش ساقط می شود

4 (اگر حاکم پدر را از ولایت عزل کند ولایت او ساقط می شود

وضعیت خیار شرط در نکاح

یصح اشتراط الخیار فی الصداق ، لان ذکره فی العقد غیر شرط فی صحته فاشتراط الخیار فیہ غیر مناف لمقتضى العقد شرط کردن خیار در مهر صحیح است . (طرفین توافق کنند طی مدت معلومی قادر باشند مهر المسمى را فسخ کنند.)
لايجوز اشتراط الخیار فی العقد ، فيبطل العقد باشتراط الخیار فیہ
شرط خیار در عقد ازدواج جایز نیست. و قرار دادن شرط خیار در نکاح باعث باطل شدن عقد می شود.

❁ تست : «فی النکاح»

1 (یصح اشتراط الخیار فی الصداق و لا يجوز فی العقد

2) لا یصح الاشتراط فی الصداق و لايجوز فی العقد

3) لا یصح اشتراط الخیار و يجوز فی العقد

4) یصح اشتراط الخیار فی الصداق و يجوز ایضا فی العقد

توکیل در عقد صحیح است :

هریک از زوجین می توانند برای ایجاد عقد نکاح وکیل بگیرند. اما زمانی که زوجه به وکیل گفته است من را به ازدواج در بیاور وکیل حق ندارد زن را به ازدواج خودش در آورد مگر اذن داشته باشد. «لایزوجها الوکیل من نفسه الا اذا اذنت فیہ»

عقد نکاح فضولی

اگر عقد ازدواج از جانب یکی از دو طرف عقد یا از طرف هر دوی آنها به صورت فضولی واقع گردد نفوذ عقد متوقف بر اجازه طرف اصلی یا ولی او می باشد و **نکاح از اصل باطل نمی گردد.**

محرمات

نسب و رضاع، مصاهره، شبهه و زنا «نکاح با زنی که در عده است» زنا با زن شوهردار، حرمت ناشی از لواط، احرام، استیفای عدد، سه طلاق و نه طلاق، لعان، کفرو ارتداد، حرمت ناشی از مسلمان شدن زوجه.

❁ تست : از عبارت «يحرم بالرضاع ما يحرم بالنسب» استنباط می کنیم که :

- 1 (تحریم رضاع موجب تحریم ازدواج در رابطه نسبی نمی شود
- 2 (قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است
- 3 (قرابت نسبی از حیث قلمرو حرمت نکاح در حکم قرابت رضاعی است
- 4 (ملاک حرمت ، قرابت رضاعی است و قرابت نسبی با آن سنجیده می شود

حرمت ناشی از نسب

9 گروه از زن ها بواسطه نسب بر مرد حرام می شوند :

1. مادر هر قدر که بالا برود

2. دختر

3. دختر دختر هر قدر که پایین رود

4. دختر پسر هر قدر که پایین رود

5. خواهر

6. دختر خواهر هر قدر پایین رود

7. دختر برادر

8 و 9. عمه و خاله هر قدر بالا روند

یحرم بالرضاع ما یحرم بالنسب : هرآنکه بواسطه نسب بر شخص حرام است بواسطه رضاع هم حرام است.

شرایط رضاع :

1. شیر زن از نکاح باشد (دائم یا موقت)
2. شیر از زنی که بواسطه نکاح باردار است یا وضع حمل کرده است حاصل شود
3. از آن شیر، گوشت پروید و یا استخوان سفت گردد و یا یک شبانه روز کامل و یا 15 مرتبه متوالی باشد
4. شیرخوار باید تا دوسالگی شیر بخورد
5. نباید در بین مدت شیر خوردن، رضاع دیگری فاصله شود
6. شیر زن از یک شوهر باشد.

❁ تست : کدام مورد از شرایط حرمت رضاعی دانسته شده است ؟

- 1 (کون الرضاع عن نکاح دواما لا متعة
 - 2 (اعتبار حياة المرضعة فی ابتداء الرضاع لا ی اثنائه
 - 3 (صدور اللبن عن ذات حمل لا ولد
 - 4 (ان یکون المرتضع فی الحولين و ان کمل حولا ولد المرضعة
- مصاهره یعنی رابطه ای که به سبب ازدواج بین هریک از زوجین با خویشاوندان دیگری به وجود می آید که عبارتند از :
- __ زن پدر و زن پسر بر دیگری حرام است.
- __ مادرو مادر بزرگ زن
- __ دختر زنی که با او آمیزش شده است و نوادگان او. ولی دختر زنی که تنها عقد شده و رابطه زناشویی برقرار نشده است حرام نمی شود.
- __ خواهر زن که جمعا حرام می شود نه عینا. دختر برادر و دختر خواهر ایشان با رضایت خاله و عمه ممکن است.

و همچنین است نکاح مادر و دختری که با هم طی یک عقد به ازدواج درآورد باطل است.

حرمت ناشی از نکاح با زنی که در عده است :

هرکس زنی را که در عده (اعم از رجعی و بائن و عده وفات و شبهه) باشد با علم به عده و حرمت عقد کند عقد باطل و آن زن برای همیشه برآن مرد حرام می گردد. و اگر نسبت به عده یا حرمت آن جاهل باشد تنها اگر نزدیکی واقع شده باشد آن زن حرام می شود، در غیر این صورت حرام نمی گردد.

حرمت ناشی از زنا با زن شوهردار

زنی که با او زنا شده است بر زانی حرام نمی شود مگر اینکه زن به عقد دائم و موقت دارای شوهر باشد و نیز زنی که در عده رجعیه است بر خلاف بائن نیز همین حکم را دارد .

❁ تست : با توجه به عبارت «من تزوج امرئة فی عدتها عالما بالعدة و التحريم حرمت علیه ابدًا»

کدام گزینه درست است ؟

1 (علم به حرمت و علم به حکم موجب حرمت ابدی است

2 (علم به عده و جهل به حرمت موجب حرمت ابدی می شود

3 (علم به موضوع و علم به عده موجب حرمت ابدی است

4 (علم به موضوع و علم به حکم موجب حرمت ابدی است

حرمت ناشی از لواط

هرکس با پسر یا مردی لواط کند مادر مفعول و خواهر مفعول و نوادگان دختری و پسری او بر لواط کننده حرام می شود. لواط باید سابق بر نکاح باشد.

حرمت ناشی از احرام

اگر در حال احرام و با علم به حرمت، زنی را عقد کند آن زن برای همیشه بر او حرام می شود و اگر جاهل به حرمت باشد حتی اگر با وی آمیزش کرده باشد بر او حرام نمی شود ولی عقدش باطل می شود و می تواند پس از خروج از احرام، دوباره وی را عقد کند.

حرمت ناشی از استیفای عدد

جمع بیش از چهار زن دائمی ممنوع است ولی در ازدواج موقت بنابر قول صحیح تر محدودیتی ندارد. ازدواج دائم یا موقت با خواهر مطلقه رجعیه همین گونه است اما اگر طلاق بائن باشد، نکاح جایز است .

حرمت ناشی از لعان

زنی که مورد لعان واقع گردیده است برای همیشه بر شوهر خویش حرام می گردد همچنین است اگر مرد ، زن کر و لال خویش را قذف کند.

حرمت ناشی از کفر و ارتداد

زن کافر غیر کتابی بر مرد مسلمان حرام است. اهل کتاب :یهودی مسیحی زرتشتی). اگر یکی از زوجین قبل از نکاح مرتد گردد نکاح باطل می شود و اگر شوهر مرتد گردد باید نصف مهریه را بدهد . زن اگر مرتد شود مهری ندارد.

اگر ارتداد شوهر فطری باشد ، ن بی درنگ از شوهر جدا می شود زیرا توبه مرتد فطری پذیرفته نمی شود ، بلکه کشته می شود . اموال او به دلیل ارتداد از مالکیت وی خارج و همسرش از او جدا می شود وعده وفات نگه می دارد.

حرمت ناشی از مسلمان شدن زوجه

اگر اسلام قبل از آمیزش باشد و زن اسلام آورد عقد باطل می شود و مهری بر آن تعلق نمی گیرد و اگر شوهر زن کتابی مسلمان شود نکاح ایشان به حال خود باقی می ماند.

هم کفو بودن یعنی همتا و مساوی بودن زن و شوهر در اسلام و ایمان به ائمه.

همتایی در نکاح شرط است مگر آنکه شوهر شیعه و زن از سایر مذاهب اسلامی که حکم به کفر آن نشده است باشد چه در نکاح موقت چه نکاح دائم.

 تست : الكفاءة المعتبرة في النكاح هي :

1 (تساوی الزوجین فی الثروة و الاخلاق

2 (تساوی الزوجین فی الاسلام و الايمان

3 (تساوی الزوجین فی الاسلام

4 (تساوی الزوجین فی الاسلام والثروة و الاخلاق

 تست : حکم نکاح «زوج الكتابية» در فرضی که وی مسلمان می شود کدام است ؟

1 (باطل می شود

2 (به حال خود باقی می ماند

3 (از روز اول منسوخ می شود

4 (بلافاصله منفسخ می شود

حکم پرداخت نفقه

قدرت بر پرداخت نفقه نه از ابتدا و نه پس از عقد، شرط صحت نکاح نیست البته قدرت بر انفاق ، شرط وجوب پذیرش پیشنهاد ازدواج مرد از سوی زن یا ولی اوست .

الخطبة (خواستگاری)

خواستگاری کردن از زن شوهردار و همچنین زنی که در عده طلاق رجعی به سر می برد چون در حکم زن شوهردار است جایز نیست.

ازدواج موقت

شرایط و احکام متعه

ایجاب و قبول عقد موقت مانند عقد دائم است و دو شرط اساسی به آن اضافه می شود :

1. ذکر مدت معین

2. ذکر مهر معین که اگر به آن عمل نشود بر خلاف نکاح دائم ، عقد باطل می شود .

در نکاح منقطع (موقت) مهریه و مدت از جهت کم و زیادی ، میزان معینی ندارد.

اگر زوج قبل از رابطه زناشویی همه مدت را ببخشد، باید نصف مهرالمسمی را پرداخت کند و اگر بعد از آن باشد همه مدت یا بعضی از مدت را ببخشد چیزی از مهریه ساقط نمی شود و اگر زن مقداری از مدت را هدر دهد شوهر می تواند به نسبت آن از مهر بکاهد.

❀ تست : کدام مورد از احکام نکاح موقت است ؟

1 (لو اخلت بشی ء من المدة اختیارا قاصها

2 (لو وهبها المدة قبل الدخول فلا شی ء علیه

3 (يجوز العزل عن الزوجه ان اشترط

4 (لایقع بها ظهار

حکم فاسد بودن عقد

اگر فساد عقد نکاح محرز گردد و رابطه زناشویی هم صورت گرفته باشد ، و زن هم به فساد آن **جاهل** باشد مرد باید **مهرالمثل** را بپردازد.

در عقد نکاح طلاق راه ندارد و با انقضای مدت یا بذل آن از طرف مرد پایان می یابد.

نکته: توارث در ازدواج موقت بین زن و شوهر برقرار نمی شود مگر اینکه در ضمن عقد شرط شود که توارث ثابت می گردد.

در نکاح منقطع عده زن:

اگر یائسه نباشد دو حیض و در غیر این صورت 45 روز است

و عده وفات : در نکاح اعم از دائم و موقت چهار ماه و ده روز

و اگر باردار باشد : طولانی ترین مدت بین چهار ماه و ده روز و روز وضع حمل.

نکته: هر چیز قابل تملکی (عین یا منفعت) و اینکه دارای مالیت باشد را می توان به عنوان مهریه قرار داد.

مفوضة البضع

عقد دائم بدون ذکر صداق صحیح بوده و در این حال اگر رابطه زناشویی واقع شود مهرالمثل تعلق می گیرد. و اگر مرد قبل از نزدیکی طلاق دهد زن مستحق مهرالمتعه می گردد.

نکته : در صورت عدم ذکر مهریه و فوت یکی از طرفین قبل از نزدیکی ، مهری ثابت نمی شود.

مفوضة المهر

تفویض مهر

زوجین تعیین مقدار مهریه را به یک نفر از خودشان واگذار می کنند .

❀ تست : لو مات احد الزوجین مع تفویض البضع قبل الدخول ؟

1 (فعلیه مهر المتعه 2 (فلا شی 3 (فعلیه مهر المثل 4 (فعلیه مهر المسمی

به مجرد وقوع عقد تمام مهریه در موارد زیر ثابت و استقرار می شود :

1. رابطه زناشویی

2. ارتداد فطری شوهر

3. فوت شوهر

4. فوت زن

در چه مواردی مرد می تواند نصف مهریه را پس بگیرد؟

اگر زن، ذمه شوهر را نسبت به مهر بری کند و شوهر قبل از نزدیکی وی را طلاق دهد شوهر می تواند برای استرداد نصف مهریه به زن رجوع کند.

حالت دوم زمانیست که شوهر قبل از نزدیکی زن را در مقابل تمام مهر به طریق خلع طلاق دهد می تواند نصف مهریه را از او بگیرد.

اگر مهریه انجام کاریا آموزشی باشد و سپس قبل از نزدیکی او را طلاق دهد زن مستحق نصف اجرت آن خواهد بود و اگر قبلا این آموزش را انجام داده باشد نصف اجرت آن را از زن می گیرد.

نکته :

اگر در عقد نکاح شرط خلاف شرعی بشود شرط مزبور بی اثر ولی عقد و مهر صحیح است.

❁ تست : ما هوالحكم ، لو شرط فی النکاح ان لا یتزوج علیها ؟

1 (بطل الشرطو العقد

2 (صح الشرط والعقد والمهر

3 (لغی الشرط و صح العقد والمهر

4 (صح الشرط والعقد و بطل المهر

شرایط استفاده از حق حبس

در صورتی که مهریه حال باشد زن می تواند قبل از نزدیکی تا دریافت مهر از تمکین امتناع کند.

عیوب و تدلیس در عقد نکاح

عیوب مرد

1.جنون

2.اخته بودن

3.مقطوع بودن آلت تناسلی

4.عنن

5.جذام

نکته : **غیر از جنون** اگر سایر عیوب بعد از وقوع عقد نکاح بوجود آید موجب حق فسخ نمی گردد.

عیوب زن

1.جنون

2.جذام

3.برص

4.کوری

5.زمین گیری

6.وجود استخون در فرج

7.یکی بودن مخرج بول و حیض

8.روییدن گوشت اضافه در فرج

9.متورم شدن فرج

نکته : اگر این عیوب بعد از عقد حاصل شود مرد حق فسخ ندارد اگرچه پیش از نزدیکی باشد.

نکته : در تمام عیوب هرگاه عیب اثبات گردد ، فسخ صورت می گیرد و اگر پیش از نزدیکی باشد بر زن مهری ثابت نیست جز در عنن که نصف مهر به او تعلق می گیرد و اگر بعد از نزدیکی باشد مهرالمسمی ثابت است .

تدلیس یعنی سکوت کردن نسبت به عیبی که خارج از خلقت اصلی آن است و می توان به تدلیس کننده رجوع کرد.

خیار تخلف از شرط صفت در نکاح

در عقد نکاح شرط شود که زن دوشیزه باشد ولی بعدا عدم باکره بودن آن مشخص شود **حق فسخ نکاح** وجود دارد و اگر قبل از نزدیکی باشد زن مستحق مهر نیست اما اگر بعد از نزدیکی باشد باید مهرالمسمی را به او بدهد و به تدلیس کننده حق رجوع دارد. همچنین است می تواند به جای فسخ مهریه دوشیزه نسبت به غیرباکره بکاهد.

نشوز

سرباز زدن از اطاعت را نشوز گویند.

اگر در زن ظاهر شود مرد می تواند زن را نصیحت کند، محل خوابیدن خود را تغییر دهد، و اگر امید دارد زن به وظایف خود بر می گردد مقداری اندک زن را بزند.

و اگر نشانه نشوز در مرد باشد زن حق مطالبه حقوق خود را دارد.

نکته : **شقاق** یعنی :

نشوز از جانب هر دو ظاهر شود و بیم جدایی آنها رود حاکم بین آنها دو داور مشخص میکند تا دآوری کند حال اگر معتقد به صلح میان آن دو بود به گته آنها عمل می شود و اگر معتقد به جدایی بودند اگر شوهر اجازه دهد یادر طلاق خلعی اگر زن مالی بدهد صحیح است .

نکته : داوران باید :

بالغ، عاقل و عادل و در امر ارجاع شده صاحب نظر باشند.

قاعده فراش

در عقد دائم و بعد از نزدیکی و سپری شدن شش ماه از تاریخ آن و حداکثر برای مدت یکسال بنا بر قولی، طفل به شوهر ملحق می گردد.

اگر مردی بدکار با همسر دائمی شخصی زنا کند طفل به شوهر ملحق می شود و زانی مستحق سنگ است.

حضانت

مادر نسبت به حضانت در طول مدت شیرخوارگی طفل، حتی اگر پسر باشد اولویت دارد و پس از اتمام شیرخوارگی نسبت به دختر تا هفت سالگی سزاوار است و پدر هم تا بعد از هت سالگی دختر و نسبت به پسر تا دوران بلوغ او سزاوار تر است.

اگر پدر و مادر نباشند حضانت به پدر پدر و در یاب او برای خویشاوندان است.

اگر مادر ازدواج کند در صورتی که پدر زنده است حضانت از او ساقط می شود و اگر پدر در قید حیات نباشد حضانت مادر از بین نمی رود.

اسباب سقوط نفقه

1. زوجیت

2. قرابت بعضی

3. مالکیت (نفقه چهارپایان و بردگان)

اقسام نفقه

زوجیت :

نفقه زن دائمی در صورت تمکین از همسر خویش واجب است .

قرابت :

دادن نفقه بر والدین هر قدر بالا روند و فرزندان هر قدر پایین روند.

تنها پرداخت نفقه کسی واجب است که توان اشتغال ندارد گرچه فاسق یا کافر باشد.

به 3 گروه نفقه داد واجب نیست :

دختر کوچک

زنی که نشوز کرده

زنی که بعد از عقد خود را در اختیار مرد نگذاشته باشد

چند نکته :

اولویت بندی در پرداخت نفقه به ترتیب بر عهده پدر ، پدر پدر، مادر ، والدین مادر که به طور مساوی باید نفقه بدهند.

پرداخت نفقه پدر و مادر در صورت تعدد فرزندان فرقی میان پسر و دختر نیست و همه به تساوی نفقه می دهند.

به کافر حربی نمی توان انفاق کرد.

لغات ((باب نکاح))

مُحَقِّق : قطعی	يُحَرِّزُ : حفظ میکند	الكريمة الأصل : اصالت
خانوادگی		
الأخرس : فرد لال	الصدّاق : مهریه	وقع فضولاً : به صورت فضولی واقع
گردد		
قدّم : مقدم میگردد	اعتبر رضاهما : رضایت آن دو ملاک خواهد	بود
ادّعت : ادعای وکالت نماید	بنت الابن : دخترپسر	بنت الاخ : دختر برادر
الرضاع : شیرخوارگی	اللّحم : گوشت	العظم : استخوان
المرتضع : شیرخوار	اللبن : شیر	يَتِمُّ يوماً و ليلة : یک شبانه روز
کامل		
المُرْضِعَةُ : شیر دهنده	المعقود : عقد شده	لَحِقَ الرضاغُ العقد : رضاع پس از
عقد		
المؤطوة : آمیزش صورت گرفتن	لم تحرم : حرام نمیگردد	
وطء الشبهة : نزدیکی به شبهه	الزنا السابق : زناى پیش از عقد	

عالمًا بالعدَّة : گاه بودن به عده حرمت ابدأ : آن زن برای همیشه به آن مرد حرام
میشود

المَزْنِيُّ بها : زنی که با او زنا شده است اصرَّت : بر آن مداومت کند الموقب : لواط
کننده

لا حصر : محدودیتی وجود ندارد الصَّمَاءُ : زن کر المُلَاعَنَةُ : مورد لعان واقع
شده

الخِرساء : زن لال ارتدُّ : مرتد گردد اسدامة : باقی ماندن بر
نکاح

الكفاءة : همتایی التعريض : با کنایه للمعتدة : در عده به سر
بردن

بعد إجابة الغير : پس از پذیرش پیشنهاد ازدواج دیگری لم تثبت : ثابت نگردیده
است

الأجل : مدت المضبوط : معین قاصَّ : کاستن

تبيَّن : معلوم شود القذف بالزَّنا : نسبت زنا دادن الأجلين : دو مدَّت

تعنَّد من الوفاة : عده وفات قنطاراً : مال فراوان كيل : پیمانه

سُنَّة : مقدار مهریه ای است که پیامبر (ص) برای تمام همسرانش قرار میداد

طَلَّق : طلاق دهد تراضیا : توافق نماید صار : پرداختن

المروء : روایت شده است یستقرُّ : استقرار می یابد ردَّة : ارتداد

رجع : مراجعه نماید تعلیم صناعة : آموزش یک حرفه لغی : بی اثر

مِنْ وراء حجاب : از پس پرده تجددت : پدید آید تَقْبِض مهرها : دریافت مهر

عنن : مرضی که به واسطه آن مرد از دخول بر فرج زن عاجز باشد

جذام : بیماری که موجب خشک شدن اعضای بدن و ریزش گوشت میگردد

تمتتع : جلوگیری کند المراد : منظور ، مراد ثیبه : غیر باکره

ینقُص : کاسته می شود الحارس : نگهبان المضاجعة : هم خوابگی

المراقبة : آمیزش ظهرت : آشکار شود یغیر : تغییر دهد

رجوع : بازگشت الطاعة : اطاعت خروج عن الطاعة : سرپیچی از اطاعت

استمال : دلجویی یبعث : تعیین کردن اتَّفقا : توافق نمایند

التفريق : جدایی الحَكَمین : دو داور سائغاً : مشروع

مُضَى : سپری شدن ولدالشبهة : فرزند متولد از شبهه فُصِّل : پایان یافتن

أَحَقُّ : اولویت دارد سقط حضانتها : حق حضانت وی ساقط می شود

لم تعرض : عرضه نکرده است الكسوة : پوشاک قَدَّر : تعیین نموده باشد

الأبعد : دورتر الرّعى : چریدن الفقير العاجز عن التّكسّب : کسی که توان اشتغال ندارد

الممتنع عن الإنفاق : کسی که از پرداخت نفقه خودداری میکند تجتزئ : تامین گردد